



بررسی نشانه شناختی راهپیمایی اربعین بر مبنای الگوی پیرس

محمود رنجبر^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۶/۳، تاریخ تایید: ۹۹/۱۲/۲۶

چکیده

راهپیمایی اربعین به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تجمعات مسلمانان از منظرهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و... قابل بررسی است. یکی از مهم‌ترین روش‌های علمی و بینارشته‌ای برای تفسیر این آیین سنتی، بررسی نشانه شناختی رمزگان مندرج در کیفیت برگزاری آن است. چارلز سندرس پیرس در بررسی نشانه‌ها الگویی دو وجهی از شناخت رمزگان ارائه داده که می‌توان به جنبه‌های زیبایی‌شناسی و تحلیلی و تفسیری آن‌ها پی برد. این الگو از سه نوع نشانه بهره می‌گیرد. نشانه‌های نمادین، نشانه‌های شمایی و نشانه‌های نمایه‌ای. این سه نوع نشانه در متون به شکل مجزا یا به صورت مجموعه‌ای از نشانه‌ها در تقابل‌های دوگانه نشان داده می‌شوند. در این پژوهش بر مبنای الگوی نشانه‌شناسی پیرس روابط عناصر کیفی مراسم راهپیمایی اربعین برای تولید معنا در نظام نشانه‌ای فرهنگی و اجتماعی بررسی شده است. بر اساس نتایج به دست آمده نشانه‌های اولیه در این آیین معنوی بر دلالت‌های ثانویه و ضمنی نظیر ارزش‌های عاطفی و اجتماعی و... ارجاع می‌دهند. در این پژوهش مجموعه رمزگان بازنمایی شده برای نشان دادن سطوح دلالت‌های ایدئولوژیک و رمزگان اجتماعی از سفرنامه‌ای به نام «درنگی در نجف» استخراج شده است. پس از آن تقابل‌های نشانه‌ای به همراه تفسیر آن در شش عنوان شامل تنوع ارادت، همذات‌پنداری، شیوه‌های عزاداری، موکب و میراث، شیوه عزاداری خلوت و جلوت و زنان نشان داده شد.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی، راهپیمایی اربعین، پیرس، رمزگان.

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان mamranjbar@gmail.com

نشانه‌شناسی ازجمله دانش‌های بینارشته‌ای است که مبدأ شکل‌گیری آن در اندیشه متفکران یونان باستان بوده است. این دانش در منطق به‌صورت (semiotocs) رواج داشت، اما در قرن هفدهم وجه غالب آن در کاربرد اصطلاح (semiotics) به معنی دقت در علائم بیماری مورد توجه قرار گرفت. جان لاک در کتاب «رساله‌ای در فهم آدمی»^(۱) (۱۶۶۰) این علم را شاخه‌ای از فلسفه برشمرد. از این تاریخ به بعد نشانه‌شناسی با اصطلاح (semiology) مورد استفاده قرار می‌گیرد. این اصطلاح برگرفته از واژه یونانی (semeion) به معنای نشانه و (legein) به معنی دانش است که هدف آن مطالعه منظم، منسجم و غایت‌مند نشانه‌هاست. مهم‌ترین گام در تقسیم‌بندی نشانه‌ها و دلالت‌ها و تفسیرها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به همت فردینان دو سوسور^۱ (۱۸۵۷-۱۹۱۳) استاد زبان‌شناسی و چارلز سندرس پیرس^۲ (۱۸۳۹-۱۹۱۴) فیلسوف آمریکایی برداشته شده است. سوسور با تأثیر از ایده‌های ذهن‌گرای فیلسوفان از مفاهیم نشانه در منطق و فلسفه بهره گرفت. از نظر وی نشانه‌ها به شکلی فراگیر همه‌چیز را در بر گرفته‌اند و معمولاً به اشکال مختلف ازجمله کلمات، تصاویر، اصوات، بوها، طعم‌ها، حرکات و اشیاء ظاهر می‌شوند و نیازمند شناسایی هستند. اگرچه وی اصطلاح نشانه‌شناسی را - در کتابی که پس از مرگ وی با نام «دوره زبان‌شناسی عمومی»^۳ در سال ۱۹۱۶ م منتشر شده- نیاورده، ولی مباحث طرح شده وی بیانگر رویکردی است که به مطالعه روشمند نظام‌های دلالت معنایی استوار بود. او در مباحث خود نشان می‌دهد که چگونه ذهن انسان دلالت‌های معنایی را در نظامی پیچیده فراهم می‌کند تا معنا تولید شود. وی در مباحث خود دانشی را پدید نیاورده است، بلکه با بهره‌گیری از ایده جان لاک و «اپیولیت تن»^۴ فیلسوف بزرگ قرن نوزدهم و نویسنده کتاب «در باب فهم» به قابلیت ارزش تقابلی نشانه‌ها در کارکرد ذهن بشر اشاره می‌کند.

تقریباً همزمان با سوسور، چارلز سندرس پیرس پا را اندکی فراتر نهاد و نشان داد که چگونه می‌توان با طبقه‌بندی انواع نشانه‌ها در قالب یک نظام به تداخل کارکرد متعارف آن‌ها با عناصر متن پایان داد. او به‌خوبی نشان داد که دوگانی‌های سوسور^۵ که به‌صورت دال و مدلول از سوی شاگردانش به وی نسبت داده شده، رابطه‌ای خشک و بی‌روح ندارند، بلکه هر علامت، تصویر یا

1 Ferdinand de Saussure

2 Charles Sanders Peirce

3 Course in General linguistics

4 Hippolyte Taine

5 Saussure's dichotomies

متنی مجموعه‌ای نظام‌مند از نشانه‌هاست که از طریق برخوردها تنش‌های مداوم و تضادها منجر به مفهوم (معنا) می‌شوند. هر یک از این نظام‌ها نمایشگر هنجاری است که نظام ویرانگر از آن تخطی می‌کنند (ایگلتون، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

سوسور و پیرس میان «دانش و نشانه» پیوندی تازه برقرار کردند و این رویکرد فکری را به قلمرو مطالعات دانشی وارد ساخته‌اند (ضیمران، ۱۳۸۳: ۸). نکته اساسی در تفاوت دیدگاه پیرس با سوسور رابطه لازم و ملزوم دال مدلول است. پیرس این رابطه را متقارنی می‌داندست. وی برخلاف سوسور که نشانه را دو وجهی برمی‌شمرد، به چهار وجه برای هر نشانه اعتقاد داشت. از نظر وی نشانه «چیزی» است که به جای «چیز دیگر»، «برای کسی»، «تحت عنوانی»، «بر اساس رابطه‌ای» برقرار می‌گردد. چهار وجه این تعریف عبارتند از:

۱- چیزی ۲- چیز دیگر ۳- برای کسی ۴- تحت عنوانی یا بر اساس رابطه‌ای (شعیری، ۱۳۸۸: ۴۰). اما یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های دیدگاه سوسور و پیرس تصویری است که آن‌ها از معنا و نشانه دارند. سوسور معنا را صرفاً موجودیتی ذهنی می‌داند، اما پیرس نشانه را پدیده‌ای مادی و فرهنگی برمی‌شمارد که به چیزی غیر از خود دلالت کند (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۵). در الگوی دوگانه سوسور نشانه زبانی پیوند میان یک شیء و یک نام نیست، بلکه یک مفهوم (مدلول) را به یک تصور صوتی (دال) پیوند می‌دهد. تصور صوتی واقعاً یک صدای فیزیکی نیست، بلکه اثر روانی صوت در شنونده است که به واسطه حواس دریافت شده است (چندلر، ۱۳۸۷: ۴۲). این پدیده مادی از یک الگوی سه‌تایی به نام نمود (شکلی که عنصر نشانه به خود می‌گیرد و لزوماً مادی هم نیست)، تفسیر (ادراکی است که توسط نشانه به وجود می‌آید) و موضوع (چیزی که نشانه به آن ارجاع دارد) بهره می‌گیرد^(۲). این تقسیم‌بندی سه‌گانه راه را برای بررسی نشانه-شناسی مطالعات در زمینه‌های مختلف زبانشناسی، انسان‌شناسی جامعه‌شناسی و اسطوره‌شناسی فراهم می‌کند. از نظر پیرس نشانه‌ها بدون رمزگان معنا نمی‌یابد. در واقع «رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا پیدا می‌کنند» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). این چارچوب‌ها بعد اجتماعی نشانه‌ها و فرایند درک در حوزه تعاملات فرهنگی را برجسته می‌سازد. «تبلور یا مصداق‌های رمزگان را هم در شخصیت افراد می‌توان دید و هم در نهادهای اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و آیین‌های جمعی. برای مثال انواع غذا و نحوه غذا خوردن واجد رمزگانی است که به آیین‌های جمعی مربوط می‌شود» (پاینده، ۱۳۹۷: ۲۸۰).

هر رمزگان نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم می‌کند و بیشتر «بافت بنیاد» و «فرهنگ بنیاد» است (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۰). بنابراین وقتی نشانه‌شناسان به مطالعه فرایندهای فرهنگی و اجتماعی می‌پردازند با اشیا و کنش‌هایی که برای اعضای گروه‌های فرهنگی معنا دارند، به‌عنوان نشانه برخورد می‌کنند و به دنبال درک نقش‌ها یا قراردادهای فرایند تولید معنا در فرهنگ هستند» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۲۲).

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

برای درک درست نشانه‌های مندرج در فرهنگ‌های گوناگون شیوه‌هایی به کار رفته که عمدتاً بر الگوی مطالعات زبانشناسی فرهنگی تکیه دارد. یکی از این دیدگاه‌ها از آن «استوارت هال» است. وی راه بررسی درست عناصر مندرج در متون فرهنگی و هنری را کدگذاری و کدگشایی می‌داند (هال: ۱۳۸۶). به نظر وی کدگشایی نظام رفتاری بشر به فهم ساختارهای اجتماعی جوامع خاص کمک می‌کند. استوارت هال معتقد است متون فرهنگی زمانی برای مخاطبان معنا می‌دهند که از سوی مخاطبان کدگشایی شوند، اما این کدگشایی و استخراج معنا ضرورتاً به معنای مورد نظر تولیدکننده اثر هنری یکسان نیست. وی چهار شیوه برای کدگشایی را پیشنهاد می‌کند:

- ۱- کدگشایی بر اساس موضوع مسلط- هژمونیک ۲- کدگشایی بر اساس موضع مخالف
- ۳- کدگشایی بر اساس موضوع مذاکره ۴- کدگشایی بر اساس وضع اجتناب و دوری (کوثری: ۱۳۸۶: ۲۲۱).

از قدیمی‌ترین آیین‌های اسطوره‌ای تا جدیدترین آن‌ها با بهره‌گیری از زبان قراردادی معنای ضمنی (ثانویه) را مدنظر قرار می‌دهند. البته در مورد معنای ضمنی، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان نمایه و فهرست کامل و منسجمی را ارائه داد، زیرا این امر، بستگی به کنش دریافت‌کننده و ذوق وی دارد و همواره در حال تغییر است. به عبارتی، در قلمرو دلالت غیرصریح، ما با ذهنیت افراد سروکار داریم (ضیمران، ۱۳۸۳: ۱۲۳). مجموعه دلالت‌های هر نشانه با کدگشایی، دری است که به‌سوی بازنمایی طبیعیِ گفتمان مستتر در اشکال مختلف اعمال و مناسبات اجتماعی گشوده می‌شود. از سویی دیگر یکی از الگوهای بازنمایی، طبیعی سازی و اسطوره‌سازی در جهان اجتماعی است. طبیعی سازی به فرایندی اطلاق می‌شود که از طریق آن برساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی به صورتی عرضه می‌شوند که گویی امور آشکارا طبیعی هستند (صادقی، شریفی، ۱۳۹۰: ۷۰).

مراسم اربعین سومین امام شیعیان جهان از دیرباز مورد توجه زائران و علاقه‌مندان مسلمان و حتی غیرمسلمانان بوده است. سنت پیاده‌روی زائران از شهرهای اطراف برای رسیدن به کربلا - محل برگزاری مراسم چهلمین روز شهادت امام سوم شیعیان و یارانش موسوم به اربعین - در احادیث و سیره اولیا و مراجع شیعه تأکید شده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰، ج ۱۰۰). این مراسم مانند هر آیین و اجتماع بشری از نشانه‌های قراردادی و نمادین برای رساندن پیام بهره می‌گیرد.

مطالعات پیشین

پژوهش‌های متعددی در حوزه نشانه‌شناسی ادبیات، هنر و جامعه‌شناسی صورت گرفته است. برخی از این پژوهش‌ها به ویژگی کلان نشانه‌ها در یک‌گونه ادبی یا جامعه اشاره دارند. مانند از متن تا تصویر: زیبایی‌شناسی نشانه‌های تصویری نوشته فتانه محمودی (۱۳۸۶) و یا پژوهش فرزانه سجودی و فرناز کاکه‌خانی (۱۳۹۰) با عنوان بازی نشانه‌ها و ترجمه شعر که در آن بر مبنای مکتب‌پاسا‌ساختگرای به ترجمه شعر توجه شده است. برخی از پژوهش‌ها نیز به ویژگی در زمانی نشانه-شناسی اشاره دارند. مانند «نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه معناشناسی گفتمانی، نوشته حمیدرضا شعیری (۱۳۸۸). دسته دیگر پژوهش‌ها به بررسی نشانه‌شناسی در آثار ادبی توجه نشان داده‌اند. مانند پژوهش سید علی‌اصغر میرباقری فرد و زهره نجفی (۱۳۸۸) با عنوان بررسی الگوی نشانه-شناختی پیرس در زبان عرفانی مولانا یا پژوهشی با عنوان نشانه شناختی تصویر زن در سینمای ابراهیم حاتمی‌کیا نوشته سید محمد مهدی‌زاده و معصومه اسماعیلی (۱۳۹۱).

در باره نگرش جامعه‌شناختی به پیاده‌روی اربعین پژوهش‌های در خور صورت گرفته است. یکی از جامع‌ترین پژوهش‌های میدانی زیر نظر جوادی‌یگانه و روزخوش با نام «روایت پیاده‌روی اربعین» نوشته شده است. در این پژوهش بخش‌های جامعه‌شناسی و مردم‌شناسانه پیاده‌روی اربعین را مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش شامل ۱۷ گزارش از مشاهدات ۱۰ نفر از پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی است که به‌صورت مشارکتی و تولید داده‌های دست‌اول به انجام رسیده است. پژوهش «روایت پیاده‌روی اربعین» با هدف «شناخت حیات دینی و اجتماعی کنونی ایرانیان و خاورمیانه و نیز سایر شیعیان» در چهار فصل شامل: «روایت تطبیقی»، «تحلیل اجتماعی»، «روایت فرهنگی» و «روایت توصیفی» نگاشته شده است. درودیان (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی» به بررسی وجوه معنوی

اجتماعی این مراسم پرداخته است. غفاری هنجار و آقایی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «پیاده‌روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی» به وجوه اجتماعی این مناسک پرداختند. «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳-عراق)» عنوان پژوهشی است که رضوی‌زاده (۱۳۹۶) به بررسی وجوه جامعه‌شناختی این مراسم اختصاص داده است. وی در این پژوهش سه مضمون اصلی را شناسایی کرد: ۱- تجربه تعلیق امر مادی ۲- رنج مقدس به مثابه مؤلف معنا ۳- برانگیزاندگی عاطفی مناسک جمعی زیارت. شراهی و ذوالفقارزاده کرمانی (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با نام: واکاوی ادراک زائران از رفتار خادمان در اربعین: روایتی مردم شناختی از پدیده عظیم پیاده‌روی اربعین به «وجوه تعاملی» این مراسم پرداخته است. علاوه بر پژوهش‌های برشمرده، آثاری دیگر با رویکرد جامعه‌شناختی وجود دارد. بر اساس جست‌وجوهای صورت گرفته تاکنون پژوهشی که با هدف نشانه‌شناسی مراسم راهپیمایی اربعین نوشته شده باشد، یافت نشده و پژوهش حاضر نخستین اثر در این زمینه به شمار می‌رود.

روش پژوهش

در این پژوهش با الگوی نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس و روش توصیفی تحلیلی در نظر داریم کیفیت ارتباطی دلالت‌های موجود در آیین پیاده‌روی اربعین را رمزگشایی نماییم. برای نشان دادن مصادیق نشانه‌ها از کتاب سفرنامه «درنگی در نجف» نوشته جواد کلاته عربی بهره گرفته‌ایم. هدف از این پژوهش بررسی نظام‌مند و هم‌بسته در رمزگان ساختارها و روابط درونی این آیین، تبیین نشانه‌ها، دلالت‌ها و تفسیرهای آن است. به نظر می‌رسد راهپیمایی اربعین واجد نظام معنایی از دو گونه رمزگان‌های صریح، موجز و چندمعنایی و هنری است. این دو گونه درهم‌تنیده وجوه زیباشناختی آیین و جنبه‌های مطالعه نشانه شناختی فرهنگی آن را برجسته می‌سازد.

بحث

مراسم اربعین و پیام موجود در آن واجد انواع پیچیدگی‌های نشانه‌ای است. به گونه‌ای که می‌توان ردپای بسیاری از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با طبقه‌بندی‌های مشخص در آن یافت. مراسم اربعین و راهپیمایی آن به عنوان سنتی دیرینه، ابژه‌ای پویا در تفسیرهای نشانه شناختی مطرح است. کسانی که به تبلیغ و ترویج فرهنگ اربعین و ابژه پویاتر آن یعنی عاشورا

می‌پردازند، یک وجه از آن را گزینش می‌کنند. از سوی دیگر هیچ گفتمانی را نمی‌توان یافت که فارغ از ایدئولوژی باشد، گفتمان‌ها معمولاً از طریق تولید نشانه یا به حاشیه راندن آن‌ها حقیقت تاریخی را روایت می‌کنند؛ بنابراین فهم درست از «ایدئولوژی ایدئولوژی» موجب درک درست از گفتمان مورد بررسی می‌شود (وبستر، ۱۳۸۲: ۱۲). از سوی دیگر ما با جهانی از زبان نشانه مواجه هستیم که خارج از بافت‌های شاعرانه و متنی وجه غالب تفکر ما هستند. بشر این همه نشانه را با نظام منسجمی از تداعی‌ها پیوند می‌زند. چندلر معتقد است بشر برای بیان منویات خود و حتی چگونگی اندیشیدن از فنون بلاغی بهره می‌گیرد. «به‌کارگیری فنون بلاغی صرفاً مختص شعر و آثار ادبی نیست، بلکه به سطحی بسیار گسترده‌تر ارتقا پیدا کرده و به سازوکاری بنیادی در شکل‌گیری گفتمان و همچنین شناخت ما از جهان تبدیل شده است» (سجودی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

بر اساس آنچه پیرس ارائه داده است، انسان از همان یک وجه ابژه پویا، تصویری ذهنی می‌سازد و با آن همذات‌پنداری می‌کند و بر مبنای آن، الگوها نشانه‌های به هم بسته را بسط می‌دهد. پیرس علاوه بر ابژه پویا به ابژه فوری نیز اشاره می‌کند «ابژه فوری نیز ساخته ذهن است و این ساختگی بر اساس همان بازنمود در ذهن شکل می‌گیرد، پس ابژه ساخته ذهن سوژه است (شعیری، ۱۳۸۸: ۴۰).

تبیین الگوی نشانه‌شناختی پیرس

پیرس برای نشان دادن کیفیت مطالعه منظم نشانه‌ها همچنین پیشگیری از تداخل کارکرد متعارف نشانه با کارکرد عناصر متن یا علائم، سه نوع نشانه اصلی را از یکدیگر تفکیک کرد. این سه نوع عبارتند از:

- ۱- نشانه‌های شمایی^۱ (نگارین، تصویری) که در آن نشانه به‌نوعی با مصداق خود شباهت دارد. مثلاً عکس شخص به‌جای خود او
- ۲- نشانه‌های شاخصی^۲ (نمایه‌ای) که در آن نشانه به‌نوعی با مصداق خود پیوند دارد. (دود نشانه شاخص آتش است).
- ۳- نشانه‌های نمادین^۳ (سمبلیک) که مانند آنچه سوسور می‌گوید نشانه صرفاً به‌صورت دلبخواهی و قراردادی با مصداق خود پیوند دارد.

1 iconic

2 indexical

3 symbolic

هر یک از نظام‌های نشانه‌شناسی پیرس با سه نوع رمزگان اجتماعی، ایدئولوژیک و فنی تفسیر می‌شود. این رمزگان در بازنمایی دال‌های خود معنا یا معناهای مکشوف و ساختارهایی نامکشوف از معنا دارند. همه اعمال انسانی به‌ظاهر امری عادی و طبیعی جلوه می‌کند، اما شدیداً تحت تأثیر فرهنگ، ایدئولوژی و گفتمان است. این اعمال که خود به‌مثابه نشانه است، برای بازتاب تمایلات خود از نشانه بهره می‌جوید. قابلیت انعطاف‌پذیر نشانه‌شناسی به‌گونه‌ای است که میان دلالت آشکار یعنی چیزی که نشانه به‌جای آن قرار می‌گیرد و دلالت ضمنی شامل نشانه‌هایی که در ارتباط با آن قرار می‌گیرند، رمزا و ساختارهای قاعده‌مندی را به وجود می‌آورد که پیام‌هایی به‌وسیله آن‌ها منتقل می‌شوند. همچنین جانشینی به معنی طبقه کلی نشانه-هایی که به‌جای یکدیگر قرار می‌گیرند و سرانجام هم‌نشینی یعنی جایی که نشانه‌ها در کنار یکدیگر در یک زنجیره قرار می‌گیرند، فرق می‌گذارد (ایگلتون، ۱۳۸۶: ۱۳۸). پیرس قابلیت انعطاف‌پذیر برای طرح چندمعنایی نشانه را در رمزگان هنری و زیباشناختی جای می‌دهد. از منظر وی نشانه‌ها- ولو نشانه‌های صریح- بدون رمزگان معنا نمی‌یابد. در واقع «رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابد» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). این چارچوب‌ها بُعد اجتماعی نشانه‌ها و فرایند درک در حوزه تعاملات فرهنگی را برجسته می‌سازند؛ بنابراین وقتی نشانه‌شناسان به مطالعه فرایندهای فرهنگی می‌پردازند، با اشیاء یا کنش‌های متعارف یا نامتعارفی که برای اعضای گروه‌های فرهنگی معنا دارند، به‌عنوان نشانه برخورد می‌کنند. در واقع ارتباط بین نشانه و اشیاء امری جانشینی است، به‌گونه‌ای که نشانه‌ها جای اشیاء قرار می‌گیرند و متضمن معانی بسیار هستند (Pierce, 1931: 31) پیرس انواع رمزگان را که در بافت رسانه‌ها، ارتباطات و مطالعات فرهنگی وجود دارد، شامل موارد زیر می‌داند: ۱- رمزگان اجتماعی شامل: زبان گفتاری، رمزگان بدنی، رمزگان مربوط به کالا، رمزگان رفتاری شامل آداب و رسوم، تشریفات، ایفای نقش یا بازی‌ها ۲- رمزگان متنی شامل: رمزگان علمی مثل: ریاضیات، رمزگان زیباشناختی در محدوده هنرهای مختلف، رمزگان ژانری، بلاغی و سبکی، رمزگان رسانه‌های ارتباط جمعی شامل رمزگان عکاسی، تلویزیونی و... ۳- رمزگان تفسیری شامل رمزگان ادراکی مانند درک بصری، رمزگان ایدئولوژیک ۴- رمزگان ادراکی.

چندلر معتقد است تلقی ادراک بصری جهان به‌عنوان رمز، نیازمند کوشش عامدانه است. عادت کردن به یک موضوع، باعث پنهان شدن آن می‌شود. نشانه‌شناسی با عادت زدایی، یا

اصطلاحاً - آنچه را فرمالیست‌های روسی شگردهای ادبیت متن بیان می‌کردند- آشنایی‌زدایی^۱ ادراک بصری را در پرانتز (اپوخه^(۳)) قرار می‌دهند.

در ادبیات نشانه‌ها بر اساس عملکرد زبان یعنی کیفیت به‌کارگیری ادبیت در متن لمس پذیر می‌شود، اما در وجه بیرونی، بازتاب نشانه‌های ملموس چه رابطه‌ای را پدید می‌آورد؟ در ادبیات نشانه به‌جای موضوع عینی خود قرار نمی‌گیرد، زیرا رابطه معمول میان نشانه و مصداق درهم می‌ریزد و این امکان پدید می‌آید که نشانه به‌عنوان موضوعی که فی‌نفسه دارای ارزش است، استقلال معینی پیدا کند (ایگلتون، ۱۳۸۶: ۳۵۱). این رابطه در مصداق عینی برعکس است و این پرسش را طرح می‌کند که کاربست عناصر و اشیا برای مفهوم‌سازی نشانه چه عمل ارتباطی بیرونی را پدید می‌آورد؟ به‌عنوان نمونه حرکت پابره‌نه زائری در بین‌الحرمین (فاصله بین حرم امام حسین تا حضرت عباس) چه کیفیتی از نشانه‌های انتزاعی را بازتاب می‌دهد؟

رومن یاکوبسن (۱۸۹۶-۱۹۸۲) با تبیین اهمیت استعاره و مجاز نشان می‌دهد که چگونه انسان با جایگزین‌سازی نشانه‌ای به‌جای نشانه دیگر یا پیوند یک نشانه به نشانه دیگر استعاره و مجاز را پدید می‌آورد. البته باید مدنظر داشت که استعاره‌ها و مجازها معمولاً به‌صورت متنی و زبانی پدیدار نمی‌شوند، بنابراین می‌توان آن‌ها را از حالت‌ها و یا دیگر ابزارهای ارتباطی غیر زبانی بیان کرد و یا ممکن است اصولاً در ارتباط مطرح نشوند و تنها ناخودآگاه و علت درونی برخی رفتارهایمان باشند» (peirce, 1980: 156). با این رویکرد می‌توان کیفیت عملی پیاده‌روی برای زیارت را بر «تقابل»، «توازی» و «شباهت» دلالت نمود. به عبارتی پیاده‌روی - از مسیری دور - برای زیارت امام حسین (ع) به دلیل مجاورت عمل و همسویی با کنش رفتاری خاندان به اسارت رفته پیشوای سوم شیعیان، مجاز به علاقه شباهت و شامل جایگزینی عمل به مفهومی انتزاعی است.

برای آنکه نشانه‌های پیرسی را در چارچوب نظام دیداری^۲ و در فرایند ادراکی راهپیمایی اربعین قرار دهیم، آن‌ها را در چهار گروه نشانه‌های فرا زبان، نشانه‌های نمادین، علائم قالبی و علائم شاخص نشان داده‌ایم (ر.ک، نظرزاده، ۱۳۸۴: ۱۸۳).

الف: نشانه‌های فرا زبان در مقابل زبان موضوعی. در این نشانه‌ها عنصر همراهی و تناسب برجسته‌سازی می‌شود. از مهم‌ترین نشانه‌های فرازبانی راهپیمایی اربعین می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

1 Defamiliarization

2 system of visual sign

- ۱- هروله رفتن. مجاز نشانه‌ای از بی‌صبری حضرت زینب (س) برای زیارت مضجع برادرش
 - ۲- عزاداری و نوحه‌خوانی. مجاز نشانه‌ای، واگویه زینبی در طول مسیر.
 - ۳- پیاده‌روی طولانی. زبان موضوعی اسیران شام تا کربلا.
- ب: نشانه‌های نمادین بیانگر کنش‌ها و پیش‌های معنایی و منظوری هستند.
- ۱- تقابل رنگ سبز و سرخ در پرچم‌های یکدست به‌عنوان بازآفرینی نمادین خیر و شر.
 - ۲- آوردن کودکان به‌عنوان بازآفرینی حضور کودکان به اسارت رفته در کربلا.
- ج: نشانه‌های قالبی نشانه‌هایی هستند که در چارچوب سنتی خاص نشان داده می‌شوند.
- ۱- موکب‌ها، سیاه‌چادرها. مرکز پذیرایی. نشانه احترام به مهمانان امام حسین (ع)
 - ۲- اطعام: توزیع غذای نذری، ثواب اطعام به مهمانان امام حسین (ع)
 - ۳- اسکان زائران، بیان احترام به مهمانان
- د: نشانه‌های شاخص. نشانه‌هایی هستند که به‌دقت یا قواعد صریح به چیزی یا هویتی ارجاع می‌دهند.
- ۱- پرچم‌ها و کتل‌ها نشانه پیروزی حق بر باطل و سرافرازی قیام عاشورا
 - ۲- تصاویر شهدا در طول مسیر نشانه تداوم راه مکتب عاشورا
 - ۳- پرچم ملیت‌های مختلف، نشانه همبستگی مسلمانان
- بر اساس آنچه در بالا ذکر شد به نظر می‌رسد راهپیمایی اربعین در مجموعه نظام‌های نشانه‌ای خود همانند بسیاری از آیین‌های اجتماعی دارای سه خصیصه مشخص زیر است:
- ۱- نمادهای فرهنگی^۱ - قواعد رفتار^۲ - اصول اعتقادی (نوربخش، ۱۳۸۶: ۱۵۵).
- تفاوت آشکارا نشانه‌های مندرج در مراسم اربعین با نشانه‌ها در آثار هنری و ادبی در کیفیت ارجاعات برون‌متنی و انضمامی است. این ارجاعات با احاله مخاطب به جهان خارج از خود مولد معنا می‌شوند، اما در غالب نشانه‌های آثار هنری، شکل یا به قول پیرس شمایل، بخشی از محتوا می‌شود. به‌عنوان نمونه در نقاشی‌های انتزاعی، شکل، بخشی از ارجاعات درون‌متنی است که بیان می‌کند. این نقاشی‌ها فقط در نفس خودشان «هستند» و به خودشان ارجاع می‌دهند؛ بنابراین مخاطب با توده‌ای از زیبایی‌های رنگ و تصویر یا اعمال بی‌هدف مواجه است (ر.ک: برتنز، ۱۳۸۸: ۵۲). حال آنکه نشانه‌های مندرج در مراسم اربعین به دلیل جنبه‌های کنشی و موقعیتی

خود با واقعیت بیرونی انطباق می‌یابد. از سوی دیگر بسیاری از نمادها و نشانه‌های بصری در راهپیمایی اربعین فرهنگ بنیاد هستند. به این معنا که صرفاً در فرهنگ اسلامی معنایی خاص از آن استنباط می‌شود. البته به این نکته باید اذعان داشت معنایی که در یک واژه یا نماد بصری در یک فرهنگ به ذهن می‌رسد، الزاماً همان معنایی نیست که در سایر فرهنگ‌ها و بین دیگر اقوام از آن واژه یا نماد بصری درک می‌شود (بصائری، ۱۳۹۲: ۵۲). از سوی دیگر نشانه‌ها از طریق نمادها برجسته می‌شوند و در گستره فرهنگ تبدیل به عناصر قابل‌رؤیت می‌شوند. این فرایند در خصلت ایدئولوژیک آثار بیشتر نمایان می‌شود.

ولوسوند (۱۹۸۴-۱۹۲۹) ازجمله کسانی است که با تأکید با فرهنگ بنیاد بودن نشانه پیرسی پیوند نشانه‌ها و فرهنگ چند پارچه را ازجمله خصوصیات توانش زبانی برشمرد تا گامی مهم به شناخت رمزگان نشانه‌ها بردارد. او تمام نظام نشانه‌ای را دارای بار ایدئولوژیک دانست. از نظر وی نقش ایدئولوژی با نقش نشانه‌ها همزمان می‌شود. گویی ایدئولوژی همه مقوله‌ها را در برمی‌گیرد. در واقع «هیچ متنی وجود ندارد که خبری محض را به مردم بدهد؛ بلکه همگی جهت-دار و دارای بار ایدئولوژیکی و تفسیری هستند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۲) زیرا همه آن‌ها دارای ارزش‌هایی هستند که ممکن است در وهله اول آشکار نباشند، اما در چارچوب فرهنگ اجتماعی به‌طور اجتناب‌ناپذیری مملو از ارزش‌ها باشند (هانت، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

تقابل‌های نشانه‌ای در مراسم اربعین

در راهپیمایی اربعین همه عناصر به‌ظاهر ساده از لباس پوشیدن، حمل پرچم، حضور کودکان، پیران، برپایی موکب‌ها و... روابطی را پدید می‌آورند که به قول آرتورآسا برگر (۱۳۸۰) در ظاهر امر به‌خودی‌خود نمی‌تواند معنا را تولید کنند، اما در روابط با یکدیگر و آن هم درون نظام و موقعیت‌های خاص مجموعه‌ای از معناها و رمزگان فرهنگی را پدید می‌آورند.

در راهپیمایی اربعین شاهد حضور علاقه‌مندان از ادیان الهی هستیم از «کشورهایی مثل هند و پاکستان و افغانستان زائر آمده است تا یمن و عربستان و بحرین و کویت و لبنان حتی اروپا» (کلاته‌عربی، ۱۳۹۵: ۲۵۹). حضور مردم از سراسر جهان و سبک‌های زندگی متفاوت تقابل‌های رفتاری را پدید می‌آورد. بر اساس الگوی پیرس آنچه مورد رمزگشایی نشانه‌های اولیه در این آیین معنوی می‌شود، تقابل‌های دوتایی یا متناقض‌نما (پارادوکس) مثل: «خلوت و جلوت»، «سیاه و سپید»، «حضور و عدم حضور» و... است. البته ذکر این نکته لازم است که در غالب

رفتارها و کنش‌های موجود در مراسم اربعین هر سه الگوی نشانه‌ای شمایی، نمایه‌ای و نمادین در مجاورت واحدهای دیگر واحدهای معنایی را بیان می‌کنند؛ بنابراین شاخص‌گذاری و ایجاد خط فارق برای محدود ساختن یک عمل به یکی از الگوهای پیرس موجب ابتر ماندن تحلیل می‌شود. در این بخش مهم‌ترین تقابل‌های نشانه‌ای در بازتاب واقعیت‌های راهپیمایی اربعین بر مبنای الگوی سه‌گانه پیرس بیان می‌شود:

نشانه‌های شاخصی (نمایه‌ای)

در نشانه‌های شاخصی یا نمایه‌ای رابطه بین دال و مدلول قابل استنتاج و دال مدلولی است. این نشانه‌ها می‌تواند لفظی باشند. مانند در اندوه آه کشیدن (peirce, 1931: 58). طلب شفاعت یا حل مشکل و بیان ارادت به واسطه مدلول شفاعت ائمه که نزد باورمندان مذهب تشیع رایج است. برخی از نشانه‌های شاخصی به شرح زیر است:

نشانه‌های لفظی در بیان ارادت

در راهپیمایی اربعین هر یک به شکلی خاص ارادت و حتی خواست خود را به امام حسین (ع) نشان می‌دهند. نویسندگان سفرنامه درنگی در نجف داستانی از جوانی اهوازی می‌نویسد که دو سال بود به کربلا می‌رفت، اما وارد صحن حرم نمی‌شد، وقتی راوی علت را از او می‌پرسد، جواب می‌دهد:

«گفتم با خانمم باید برم، تنها نمی‌رم، / بعد به من گفت: / می‌ری کربلا دعا کن به نامزدم برسم (کلاته‌عربی، ۱۳۹۵: ۱۰). و یا: وقتی مردم متوجه می‌شوند جمعی از تهران عازم کربلا هستند:

«وسط میدان نگه‌مان داشتند تا همه بچه‌های گروه بیایند، در این فاصله منقل اسپند هم آوردند و دود اسپند حال و هوای همه را عوض کرد» (کلاته‌عربی، ۱۳۹۵: ۲۱).

نمونه دیگر تصویری از ارادت دو جوان است که در عین سکوت میزان اندوه و ارادت خود را بیان می‌دارند:

«داخل حیاط دو نفر سینه‌خیز می‌رفتند به سمت ساختمان تل[ازینبیه] دست‌هایشان را پشتشان گذاشته بودند و خودشان را با انگشتان پا به جلو هل می‌دادند (کلاته‌عربی، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

شیوه‌های عزاداری

یکی از مهم‌ترین رمزگان اجتماعی در راهپیمایی اربعین کثرت در عین وحدت است. در هنگام نشان دادن دلالت‌مندی عزاداری‌های متنوع قبایل و عزاداران کشورهای مختلف، دال‌هایی که بیانگر رمزگان ایدئولوژیکی و فرهنگی هستند، بیشتر نمایان می‌شود. تنوع شیوه‌های عزاداری دال‌هایی هستند که به مدلول ماتم و ارادت ارجاع می‌دهند.

«مردم عرب‌زبان وقت عزاداری، مردهایشان به سینه می‌زدند و زن‌ها به روی پا» (۶۵) و یا: «یک هیأت نوحه خواندند و سینه زدند، جوانی پرچم بزرگ آبی رنگی را وسط جمعیت چرخاند. همین پرچم حال و هوای آنجا را به کلی عوض کرد» (۹۰).

گونه‌های مختلف عزاداری در طول مسیر راهپیمایی به‌عنوان زبان دلالت‌زای حاضران، بخش وسیعی از نظام رمزگان اجتماعی، ایدئولوژیک و فنی را بازتاب می‌دهد. به‌عنوان نمونه در سفرنامه درنگی در نجف آمده است:

وقتی حسن آمد هنوز آن جمعیت سینه‌زن مشغول عزاداری بودند. گاهی سینه می‌زدند، حتی عرب‌ها هم ایستاده بودند و همراهی می‌کردند (۱۷۱).

موکب و میراث

در راهپیمایی اربعین تنوع موکب‌های عزاداری، نحوه مدیریت، شیوه پذیرایی و مهم‌تر از همه وابستگی آن به اشخاص، عشیره‌ها و نهادهای مردمی از منظر مردم‌شناسی قابل بررسی است. یکی از مهم‌ترین وجوه بازنمایی نشانه‌های ضمنی راهپیمایی اربعین وابستگی میراثی و خانوادگی این موکب است. این موکب عمده‌تاً بدون نام هستند و تنها به نصب پرچم یا شعار بسنده کرده‌اند، در بین مسیر نجف تا کربلا تیر برق‌هایی نصب شده که به آن عمود می‌گویند و یکی از نشانه‌های آن میزان مسافت طی شده است، ضمن آنکه این عمودها بیانگر دلالت‌های ضمنی عمیق‌تر در رمزگان اجتماعی راهپیمایی اربعین است:

«این عمودها از ابتدای جاده در پایان شهر نجف با شماره ۱ به دو زبان انگلیسی و عربی شروع می‌شود تا حرم حضرت عباس (س) در شهر کربلا به شماره ۱۴۵۲ می‌رسد شماره این عمود محل ثبتی موکب‌هاست. روی تابلوی بعضی از موکب‌ها نوشته موکب فلان عمود شماره فلان. این موکب و این شماره نسل به نسل می‌رسد به خادم بعدی زائران حسین (ع) از همان

خانواده و عشیره، معمولاً روی تابلوی موب‌ها اسم گرداننده و خانواده و عشیره‌شان را می‌نویسند یعنی این مکان تا ابد به نام نوکری ما ثبت شده است» (۱۴۸).

وحدت در کثرت

راهپیمایان هرچقدر به مرقد امام حسین (ع) در کربلا نزدیک‌تر می‌شوند، با عناصر مختلف بصری بیشتری مواجه می‌گردند. این عناصر در اقلیت عددی طول مسیر در حوالی حرم به کثرت و در نتیجه زایش‌های معنایی می‌رسد. عناصر بصری به دلیل وجود دال مرکزی (مضجع امام سوم شیعیان) و زمینه‌های مشترک فرهنگی آن، سخن واحدی را بیان می‌کنند، اما در طول مسیر چون دقیقاً در بافت فرهنگی و مکانی خود قرار نگرفته‌اند، معنای اصیل خویش را نشان نمی‌دهند. در واقع راهپیمایان در طول مسیر در «شدن» به سر می‌برند. سالکی در «صیورت» که معنای ضمنی از فنا تا حقیقت عزاداری در صحن و سرای امام حسین (ع) است.

نشانه‌های نمادین

در نشانه‌های نمادین بین فرستنده و گیرندگان قرارداد متقابل حاکم است. رابطه دال و مدلول بر مبنای قرارداد از پیش مشخص پدید می‌آید. برخی از نشانه‌های نمادین راهپیمایی اربعین به شرح زیر است:

همذات پنداری

دال حضور در مراسم راهپیمایی یعنی جدایی از عادت‌ها و حرکت در مسیری که به کمال ادراک در حضور در محضر ائمه ختم می‌شود. مثلاً در سطح ظاهری، آیین خداحافظی به مدلول و واقعیت‌های مشابه همذات پنداری می‌شود. راوی کتاب درنگی در نجف برای خداحافظی از بستگان خود به قصد عزیمت به کربلا، ضمن روایت صورت ظاهر (دال اولیه) با همذات پنداری، دلالت‌مندی ضمنی را در نظر دارد:

«دیشب که بچه‌ها را صدا زدم بیایند روی پاهایم بنشینند، جور دیگر نگاهشان می‌کردم و می‌بوسیدمشان، انگار بیشتر احساسشان می‌کردم. این یکی دو روزه برای اولین بار به شدت درگیر رابطه شهدا با فرزندان‌شان شده بودم» (۲۳).

نوع لباس

از جمله ویژگی‌های نشانه‌های شاخص راهپیمایی اربعین، ساده زیستی است. با دسته‌بندی جامعه‌شناختی نوع لباس حاضران می‌توان طبقه اجتماعی و سبک زندگی و نحوه مواجهه با سطوح دلالت‌مندی آنان را نشان داد. به نظر می‌رسد نوع لباس در سطح نخست دلالت‌ها باشد، اما آنچه در سطح دلالت ثانویه برجسته می‌شود، پابندی به ارزش‌های فرازبانی است:

«قبل از اینکه بلند شوم، سه مرد بلندقد و قوی‌هیکل آمدند جلوی جمعیت نمازخوان ایستادند. چیزی از لباس شیوخ قبایل عرب کم نداشتند. چفیه و عقال و داشداشه و کت و عبای سرمه‌ای که رویش با نورهای طلایی تزیین شده بود. [آن‌ها] چند شیخ اهل سنت عشایر عرب بودند که آمدند زیارت امام حسین (ع) و حالا داشتند نماز می‌خواندند (۱۲۳).

خلوت و جلوت

از نشانه‌های نمادین که با قواعد رفتار و کنش‌های دیگر فرا زبان همخوان است، حضور در خلوت است. آنچه از راهپیمایی اربعین ارائه می‌شود، عمدتاً سیل مشتاقان و ارادتمندان به امام حسین (ع) است. کثرت جمعیت و دسته‌های عزاداری از دال‌های اولیه این مراسم به شمار می‌رود. هدف این مراسم فراتر از نشانه‌های شاخصی و کلیشه‌ای و علائم قالبی است. این دلالت‌ها در تقابل با جمعیت نیز رمزگذاری می‌شود. تهذیب نفس و حضور «حاضر غایب» امری متناقض‌نماست که از منظر بافت ایدئولوژیک خلوت سالک را در راه پرتلاطم نشان می‌دهد.

«این گروه آخر که جمعیت‌شان بین ده تا سی چهل نفر است، هرازگاهی در حال راه رفتن دمی می‌گیرند و سینه‌ای می‌زنند (جلوت) اما بعضی‌ها تک می‌پزند و تنها همسفرشان کوله‌پشتی‌شان است، با سکوتی که بر لب دارند و فکرهایی که در سر (۱۵۷).

«... جوانی را دیدم که در بلوار وسط خیابان از خواب بیدار شده بود و داشت قرآن می‌خواند این قاب زیبای صبح، همین جوان مؤمن را کم داشت.» (۲۰۲)

زنان

از مهم‌ترین تقابل‌های نشانه‌شناختی مراسم اربعین، زن/ مرد است. راه طولانی، گرما، خطرات و ده‌ها مشکل دیگر نشان می‌دهد که ظاهراً راهپیمایی اربعین باید برای مردان باشد. اما تصویری که از حضور زنان ارائه می‌شود، پویا و چشمگیر است. آنچه در راهپیمایی اربعین اهمیت می‌یابد

عدم تفکیک جنسیتی است. این رویکرد دلالت‌مند بازنمایی ایدئولوژیک اهمیت زنان در جامعه اسلامی است. البته این مسئله با جدایی زنان و مردان متفاوت است.

«بعضی از خانم‌های زائر ایرانی، زنان جوانی هستند که همراه همسران‌شان آمده‌اند. بین این زوج‌های جوان کم نیستند کسانی که مثل عراقی‌ها روبنده زده‌اند» (۱۵۷)

«زن‌های عراقی وسایل همراه‌شان را نمی‌دهند به شوهران‌شان بیاورند... زن‌های جوان عراقی روبنده دارند، اما زن‌های میان‌سال از روبنده کمتر استفاده می‌کنند.» (۱۵۸).

بازتاب گفتمانی و ایدئولوژیک

نشانه‌شناسان مبانی نظری خود را در متن جستجو می‌کنند، اما با رهیافتی که سوسور به نشانه‌شناسی داشت، آن را «بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی دانست» (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۴).

راوی سفرنامه «درنگی در نجف» بازتاب گفتمان و ایدئولوژیک قدرت را در بازنمایی بخش خاصی از واقعیت تحقیر پرچم آمریکا و اسرائیل می‌داند:

کمی که جلوتر رفتیم، پرچم اسرائیل را خیلی بزرگ روی زمین نقاشی کرده بودند، اما پرچم آمریکا را ندیدم (۱۶۷).

راوی انتظار دارد همان دلالت‌های ایدئولوژیک که در ایران وجود دارد، در عراق هم دیده شود، اما حضور نظامیان آمریکا در عراق و همکاری دولت عراق با این نظامیان مانع مواجهه خصمانه برای نشانه‌گذاری مرتبط با تحقیر پرچم این کشور شده است. البته سوژه بر ساخته اجتماعی از آنجا که تابعی از ایدئولوژی قدرت هم هست، به شکل دیگری برجسته می‌شود:

«در راه کاریکاتورهایی از ملک‌سلیمان (حاکم عربستان)، اوپاما و تنانیهو به بعضی تیرهای چراغ برق و داربست‌های فلزی نصب کرده بودند، تقریباً تمامی عکس‌های ملک‌سلیمان پاره شده بود (۱۶۰)

از آنجا که سوژه بررسی محصول فرهنگ است، در همین روایت کوتاه می‌توان نشان داد که چگونه برساخته‌های ایدئولوژیک و اجتماعی برجسته می‌شود. راوی با درک سوژگی بخشی از واقعیت‌های راهپیمایی اربعین را به بازنمایی تجربه‌های مشترک در نظام نشانه‌شناسی و بازتولید دائمی و روزمره دستگاه ایدئولوژیک اختصاص می‌دهد:

«بچه‌ها وقتی در جمع کارکنان (عرب و ایرانی) موکب خودمان می‌خواهند صلوات بگیرند، اسم آیت‌الله سیستانی را اول می‌برند، این کار محبت‌ها را زیاد می‌کند (۱۶۰).

نشانه‌های شمایی

رابطه دال و مدلول در نشانه‌های شمایی بر مبنای شباهت است. «نشانه‌های شمایی از انگیزتگی زیادی برخوردارند» (ریمامکاریک، ۱۳۸۸: ۱۹۴). در راهپیمایی اربعین تصاویر، ضمن همسانی با موضوع، از ویژگی‌های فرازبانی هم برخوردار می‌شوند. مهم‌ترین نشانه‌های شمایی در راهپیمایی اربعین تصاویر هستند.

تصاویر

ازجمله عناصر پرکاربرد در طول مسیر راهپیمایی تصاویر هنری از واقعه عاشورا یا پیام‌های آن است. این تصاویر با بهره‌گیری از هنر بر ابتدای واقعه اجتماعی تکیه دارد. در واقع این تصاویر هنری «بعدی را باز می‌گشاید که در دسترس سایر تجربه‌های بشری نیستند، بعدی که در آن آدمی‌زاده، طبیعت و سایر امور دیگر از این پس به قانون اصل واقعیت تثبیت شده تن در نمی‌دهد (مارکوزه، ۱۳۸۵: ۱۱۴). بنابراین تصویر، روایتی تازه از حقیقت واقعه‌ای است که بارها و بارها در طول زندگی گفته شده است، اما هنرمند با توجه به فضای فراهم آمده در راهپیمایی اربعین بعدی تازه را می‌گشاید تا نشان دهد که با «بیگانه‌سازی» تصاویر می‌توان ناگفته‌ها و ناشنیده‌ها و نادیده‌های واقعه عاشورا را در نشانه‌ای نمادین دیدنی ساخت. این مطالبه همان چیزی است که غایت هنر شناخته می‌شود و باعث می‌شود تا انسان را از حالت چند پارگی برهاند، به او توان درک واقعیت را ببخشد (فیشر، ۱۳۸۶: ۶۴).

تصاویر یا نوشته‌های عزاداری در طول مسیر مراسم اربعین مجموعه‌ای از نشانه‌های پراکنده در مسیری ارتباطی نیست، بلکه همه آن‌ها در عین پراکندگی از قوانین مستدل و دلالت‌مند برای روایتی تاریخی پیروی می‌کنند، به گونه‌ای که صدای مندرج در پرچم (علم) یا عبارتی نقش بسته بر پرده‌ای مثل «هیاهات منا الذله» حاوی ذهن جمعی کل نژاد مظلوم بشریت است که در کربلا متجلی شده است و در صیروت تاریخی خود در راهپیمایی اربعین واجد قلمرو معنایی می‌شود. از نظر پیرس یک بازنمود ممکن است چیزی نباشد جز یک بازنمود دیگر، بنابراین تفسیر اولیه می‌تواند دوباره تفسیر شود (چندلر، ۱۳۸۷: ۶۲).

ترتیب کاهشی به افزایشی نشانه‌ها

پیرس در تبیین وجوه نمایشی نشانه‌های نمادین، شمایی و نمایه‌ای معتقد است این نشانه‌ها از نظر قراردادی ترتیبی کاهشی به افزایشی دارند و موجب می‌شوند نقش‌هایی عاطفی، ترغیبی در کنش‌ها پدیدار شود. مثلاً هرچقدر افراد شرکت‌کننده به حرم نزدیک‌تر می‌شوند، وجه نمایه‌ای عناصر و نشانه‌ها عاطفی و ترغیبی و برجسته می‌شوند. در اطراف حرم به دلیل اتصال همه گروه‌ها به یکدیگر وجه دال اختیاری نیست، بلکه به طور فیزیکی یا علی به مدلول مرتبط است. مثل دال ضریح که مدلول آن مضجع امام حسین (ع) یا حضرت عباس (ع) است. یا رسیدن زوآر خسته و با شوق نشانه‌های نمادین طبیعی و مدلول رسیدن حضرت زینب (س) و حبیب‌بن‌مظاهر برای زیارت مضجع امام حسین (ع) و حضرت عباس (س) است. از سوی دیگر نشانه‌های نمادین مثل آموزه‌های زبانی به‌شدت قراردادی هستند. این نشانه‌ها در محل زیست هر یک از راهپیمایان وجود دارد. در ابتدای مسیر راهپیمایی شخص با قرار گرفتن در طول مسیر وارد قراردادهای اختیاری می‌شود، تصاویر مندرج در موب‌ها یا عمودها قراردادهایی هستند که به شکلی قراردادی مدلول شهادت، عاشورا، مظلومیت و ... را نشان می‌دهند. در نزدیکی حرم وجه شمایی مدلول برجسته می‌شود. در این شرایط «تشخیص مدلول با نگاه کردن، گوش دادن، لمس کردن، چشیدن یا بوییدن انجام می‌شود (چندلر، ۱۳۸۷: ۶۶)، البته در نشان دادن سه وجه پیرسی نمی‌توان خط فارق مشخص کرد، چنانچه پیرس نیز تأکید دارد گاهی یک وجه در وجه دیگر خلط می‌شود، بنابراین هرچه قدر به مرز بین دو وجه می‌رسیم، می‌توان آن را تلفیقی از هر دو دانست. یعنی نشانه‌ها «در ابتدا تا اندازه‌ای شمایی و تا اندازه‌ای نمایه‌ای هستند» (چندلر، ۱۳۸۷: ۶۶)، ضمن اینکه باید توجه داشت کارکرد هر یک از انواع سه‌گانه نشانه‌های پیرسی بر مبنای نظامی سلسله مراتبی است. کیفیت به‌کارگیری و جای‌گیری هر یک از نشانه‌ها بر اساس بافت مشخص می‌شود. «تعیین این امر که نشانه شمایی یا نمادین است، بر مبنای بافت مشخص می‌شود» (Hawkes, ۱۹۹۲: ۱۲۹). نمونه مشخص تشابه بر مبنای بافت نحوه تجهیز موب‌ها بر مبنای باز نموده‌های حسی ادراکی در رابطه تقارنی با بافت فرهنگی مورد نظر است. به‌عنوان نمونه هر یک از دسته‌های عزاداری فضای فرهنگی و بومی خود را بازنمایی می‌کنند. گاهی بازنمایی‌ها با کاربرد رمزگان سازه‌ای مانند ماکت یا شمایل همراه است. مانند موبک امام رضا (ع) که آستان قدس رضوی بر مبنای بافت موقعیتی خویش تدارک دیده بود:

«موکب‌های ایرانی سعی کرده‌اند با فکر و سلیقه ایرانی از آن حالت سنتی موکب‌های عراقی فاصله بگیرند. این تفاوت را می‌شود در شکل و شمایل موکب و در نوع خدمت‌شان دید. موکب علی بن موسی‌الرضا (ع) با استفاده از نمای آستان قدس رضوی، جایی را مثل صحن اسماعیل طلا و با استفاده از وسایل موقت/مثل تخته‌های چوبی، ام‌دی. اف/ درست کرده بود (کلاته عربی، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

راهپیمایان در طول مسیر با نشانه‌هایی حس مبنا مواجه می‌شوند که متکی به احادیث و نقل روایت هستند. ضمن این نشانه‌ها اصواتی از بلندگوی موکب‌ها پخش می‌شود، تصویری شنیداری ارائه می‌دهند که وجه نمادین بازتولید حس مبنا از قیام عاشوراست. تمامی این حرکت‌های انضمامی که در نشانه‌های شنیداری منعکس شده است، به تأملی فلسفی در باره قیام عاشورا ختم می‌شود.

نتیجه‌گیری

با طبقه‌بندی انواع نشانه در قالب یک نظام منسجم، سه مقوله به‌عنوان الگوی بررسی نشانه‌های راهپیمایی اربعین مورد بررسی قرار گرفت. مراسم اربعین به‌عنوان کلان روایتی از مناسک بزرگداشت قیام عاشورا و سنت اسلام به شمار می‌رود. در بازنمایی دال‌های نشانه‌ای از قبیل علم (پرچم)، تصویر، ماکت، شعار، کنش‌ها و... همانند نشانه‌های زبانی، نظامی از صورت‌ها و مفاهیم به شکلی متقارن پدید آمد. هرگاه این نظام صورت‌ها در خدمت نظام مفاهیم باشد، زیست جهان مفاهیم بیشتر شناخته می‌شود. اربعین به‌عنوان مفهومی برجسته دو خصوصیت آشکار و پنهان برای زبان رفتار راهپیمایان را نشان می‌دهد. مفاهیم برجسته‌سازی شده در فرهنگ عاشورا و راهپیمایی اربعین بیشتر از آنکه بر مبنای یک قرارداد اختیاری یا دال و مدلولی صرف به یکدیگر مرتبط باشند، از نوع ترکیبی «نمادین- شمایی» هستند. به عبارتی تصویر، پوشش و سایر عناصر به‌کاررفته در طول مسیر راهپیمایی اربعین به خاطر شباهت یا به علت وجه استعاری، همچنین به دلیل دارا بودن برخی از کیفیات مدلول شبیه به آن است. ضمن آنکه نشانه‌های منعکس شده در طول مسیر راهپیمایی، زمینه‌های متعددی از بافت زبانی و بافت موقعیتی برای درک درست مفاهیم متنی و فرامتنی را بازنمایی می‌کنند. این نشانه‌ها چنان با زندگی و زیست جهان افراد در طول مسیر راهپیمایی عجین می‌شوند که شناخت آن‌ها در وهله نخست امکان‌پذیر نیست، اما با واسازی لایه‌های رمزگذاری شده معلوم شد که چگونه بازتاب ایدئولوژی درون واقعیت به شکلی

مویرگی در نظام نشانه‌های فرهنگ عاشورا جریان دارد و به معناهای مترتب جهت می‌دهد تا بر مبنای نظام درونی گفتمان عاشورا حرکت نماید. این نشانه‌ها در عین پراکندگی، کثرت و تنوع از مفهومی به نام «ارزش» سوسوری برخوردارند. با فرایند تأویلی در مطالعه نمادهای مسیر راهپیمایی و محل برگزاری مراسم بر مبنای مفهوم ارزش به هویتی نسبی و مشترک در ارتباط با دیگر نشانه‌ها و در تقابل با نشانه‌های دیگر دست می‌یابیم. بنابراین مجموعه نشانه‌های طول مسیر راهپیمایی دلالت‌هایی صرفاً تک معنایی و انضمامی نیستند، بلکه رابطه پیوستاری هریک از دلالت‌ها با مجموعه‌ای از مدلول‌های شبکه‌وار را پدید می‌آورند. این مجموعه در نظامی انتزاعی به نام «مفهوم» یا نوعی اندیشه (ایده) اربعین نشان داده می‌شود. لذا نشانه‌های موجود در طول مسیر راهپیمایی صرفاً ترکیب صدا یا تصویری خاص با مفهومی مشخص و یک‌سویه نیست، بلکه جانشین ایزه و نظامی از نشانه‌های همگن هستند که دارای وجه اجتماعی می‌باشند. این نشانه‌ها را تنها می‌توان به‌وسیله تحلیل اجزا و عناصر سازنده‌اش از طریق تفسیرهای پیاپی باز شناخت.

در این پژوهش بدون نشان دادن خط فارق بین الگوی سه‌گانه نشانه‌شناسی پیرس نشان داده شد که هر سه جنبه «شباهت، رابطه و قرارداد» دال و مدلول در عناصر نشانه‌ای مراسم اربعین با یکدیگر عجین شده‌اند. فرد شرکت‌کننده در مراسم راهپیمایی اربعین همین‌که وارد فضای گفتمانی مراسم می‌شود، در جنب مدلول‌های مناسکی قرار می‌گیرد که از تنوع ادراک و صورت-های برگزاری مراسم برخوردار است. این فرد با رؤیت حضور عزاداران از سراسر جهان دانشی ضمنی می‌یابد که به‌واسطه آن قادر است با سبک زندگی و کنش‌هایی مواجه شود که پیش از آن ندیده است، این شیوه‌ها و سنت‌های چون متصل به کلان نشانه اربعین است، واجد معنا و مفهومی والا برای او می‌شود.

یادداشت:

۱- رضا زاده شفق در سال ۱۳۳۹ این کتاب را با عنوان تاریخ فهم بشر به همت انتشارات دانشگاه تهران ترجمه و منتشر کرده است.

۲- نمود در معنا شبیه دال سوسوری است و تفسیر معنایی شبیه مدلول دارد، البته کیفیت تفسیر بی‌شباهت به مدلول است زیرا خود یک نشانه در ذهن تفسیرگر است (چندلر، ۱۳۸۷: ۶۲).

۳- اپوخه از واژگان کلیدی در تبارشناسی پدیدارشناس آلمانی ادموند هوسرل است. وی معتقد است اپوخه کردن یا در پرانتز نهادن در فرایند شناخت جهان و اشیا موجب می‌شود انسان در مقام سوژه، تمامی دانش‌های پیشین، پیش‌فرض‌ها، پیش-داشت‌ها و پیش‌انگاره‌های خود را کناری گذاشته و به‌اصطلاح داخل پرانتز قرار می‌دهد تا موضوع شناخت آن‌گونه که هست، خود را بر وی پدیدار سازد و از این طریق مواجهه ناب‌تری شکل گیرد.

منابع

- ایگلتون، تری. (۱۳۸۶). پیش درآمدی بر نظریه‌های ادبی، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- آسا برگر، آرتور. (۱۳۸۰). روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره، ترجمه محمدرضا لیراوی، تهران: سروش.
- آفاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- برتنز، یوهانس ویلم. (۱۳۸۲). نظریه ادبی (مقدمات)، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: آهنگ دیگر.
- بصائری، سلمان و خزایی، محمد. (۱۳۹۲). جلوه‌های استعاره در نظام نشانه‌ای دیداری پوسترهای عاشورایی، فصلنامه نقد ادبی، س ۶، ش ۲۲، صص ۴۹-۶۵.
- پاینده، حسین. (۱۳۹۷). نظریه و نقد ادبی در سنامه میان‌رشته‌ای (۲ ج)، تهران: انتشارات سمت.
- جوادی یگانه، محمدرضا و روزخوش، محمد. (۱۳۹۸). روایت پیاده‌روی اربعین: روایت مردم‌شناسانه و جامعه‌شناختی از پیاده‌روی اربعین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: شهرداری تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- چندلر، دنیل. (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه محمد پارسا. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی و انتشارات سوره مهر.
- درودیان، محمدجواد. (۱۳۹۷). منظر معنوی رویداد پیاده‌روی اربعین حسینی، مجله منظر، زمستان، شماره ۴۵، صص ۵۶ تا ۶۵.
- رضوی‌زاده، ندا. (۱۳۹۶). ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده‌روی اربعین آذر ۱۳۹۳- عراق) فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، زمستان، دوره ششم - شماره ۴، صص ۳۷ تا ۵۹، صفحه ۶۳۱.
- ریما مکاریک، ایرنا. (۱۳۹۳). دانشنامه نظریه ادبی معاصر، ترجمه محمد نبوی و مهران مهاجر، تهران: آگه.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۲). نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: نشر قصه.
- شراهی، اسماعیل؛ ذوالفقارزاده کرمانی، محمد مهدی. (۱۳۹۸). واکاوی ادراک زائران از رفتار خادمان در اربعین: روایتی مردم‌شناختی از پدیده عظیم پیاده‌روی اربعین، مجله دین و ارتباطات، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره ۵۵، صص ۱۱۵ تا ۱۴۷.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۸). از نشانه‌شناسی ساختارگرا تا نشانه‌شناسی گفتمانی، نشریه نقد ادبی، س ۲، ش ۸، صص ۵۱-۳۲.

غفاری هاشجین، زاهد؛ آقایی، محمد. (۱۳۹۷). **پیاذه‌روی اربعین حسینی به‌مثابه جنبش اجتماعی**،

مجله دانش سیاسی بهار و تابستان، شماره ۲۷ صص ۱ تا ۲۱

صادقی، فسایی، سهیلا، شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰) **بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی**،

تحلیل نشانه شناختی پنج سریال ایرانی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره

و شماره: دوره ۷، شماره ۲۲، بهار، صص ۶۷-۹۰

صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). **شکل‌گیری نشانه**، در مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی جامعه‌شناسی هنر،

تهران: فرهنگستان هنر.

ضیمران، محمد. (۱۳۸۲). **درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر**، تهران: نشر قصه

فتوحی، محمود. (۱۳۹۱). **سبک‌شناسی**، تهران: انتشارات سخن.

فیشر، ارنست. (۱۳۸۶). **ضرورت هنر در روند تکامل اجتماع**، ترجمه فیروز شیروانلو، تهران: توس.

کلاته عربی، جواد. (۱۳۹۵). **درنگی در نجف**، تهران: ۲۷ بعثت.

کوثری، مسعود. (۱۳۸۶). **مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی جامعه‌شناسی هنر**، تهران: فرهنگستان

هنر.

گیرو، پیر. (۱۳۸۰). **نشانه‌شناسی**، ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه.

مارکوزه، هربرت. (۱۳۸۵). **بعد زیباشناختی**، ترجمه و تألیف داریوش مهرجویی، تهران: هرمس.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). **بحارالانوار**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

نظرزاده، رسول. (۱۳۸۴). **تن‌پوش آینده**، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

نوابخش، مهرداد. (۱۳۸۶). **هنر و کیفیت زندگی کاری در جوامع صنعتی**، در مجموعه مقالات اولین

هم‌اندیشی جامعه‌شناسی هنر، تهران: فرهنگستان هنر.

ویستر، راجر. (۱۳۸۲). **پیش‌درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی**، مترجم الهه دهنوی، تهران: روزنگار.

هال، استوارت. (۱۳۸۶). **غرب و بقیه: گفتمان و قدرت**، ترجمه محمود متحد. تهران: نشر آگه.

هانت، پیترو. (۱۳۸۶). **درک ادبیات کودکان جهان**، ترجمه محمود نورمحمدی، تهران: سایه‌گستر.

Lakoff, G.& Johnson, M. (1980), *Metaphors We Live By*, Chicago and London: University of Chicago Press.

Hawkes, Terence(1992). *Structuralism and semiotics*. London.Rot ledge.

Pierce.c.s(1931)collected Papers, Harvard university press Cambridge.

Eagleton, Terry. (2007). *An Introduction to Literary Theories*, translated by Abbas Mokhber, Tehran: Markaz. (In Persian)

Asa Berger, Arthur. (2001). *Narrative in Popular Culture, Media, and Everyday Life*, translated by Mohammad Reza Liravi, Tehran: Soroush. (In Persian)

Aghagolzadeh, Fardous. (2006). *Critical Discourse Analysis*, Tehran: Scientific and Cultural. (In Persian)

- Bertens, Johannes Willem. (2003). *Literary Theory (Basics)*, translated by Farzan Sajoodi, Tehran: Ahang Digar. (In Persian)
- Bosaeiri, Salman Khazaei, Mohammad. (2013). Manifestations of Metaphor in the Visual Sign System of Ashura Posters, *Literary Criticism Quarterly*, Vol. 6, No. 22, pp. 49-65. (In Persian)
- Payandeh, Hossein. (2018). *Literary Theory and Criticism: An Interdisciplinary Textbook (2 Volumes)*, Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Javadi Yeganeh, Mohammad Reza Roozkhosh, Mohammad. (2019). *The Narrative of Arbaeen Pilgrimage: An Anthropological and Sociological Narrative of the Arbaeen Pilgrimage*, Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communication; Tehran Municipality, Center for Studies and Urban Planning. (In Persian)
- Chandler, Daniel. (2008). *Basics of Semiotics*, translated by Mohammad Parsa, Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Art and Sooreh Mehr Publications. (In Persian)
- Doroudian, Mohammad Javad. (2018). The Spiritual Perspective of the Arbaeen Pilgrimage Event, *Manzar Journal*, Winter, No. 45, pp. 56-65. (In Persian)
- Razavi Zadeh, Neda. (2017). Perception and Lived Experience of Iranian Pilgrims in Iraq (Case Study: Arbaeen Pilgrimage December 2014 - Iraq), *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, Winter, Vol. 6 - No. 4, pp. 595-631. (In Persian)
- Rimakari, Irna. (2014). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*, translated by Mohammad Nabavi and Mehran Mohajer, Tehran: Agah. (In Persian)
- Sajoodi, Farzan. (2003). *Applied Semiotics*, Tehran: Qesseh Publications. (In Persian)
- Sharahi, Esmail; Zolfaqarzadeh Kermani, Mohammad Mehdi. (2019). Analyzing Pilgrims' Perception of Servants' Behavior During Arbaeen: An Ethnographic Narrative of the Great Arbaeen Pilgrimage Phenomenon, *Journal of Religion and Communication*, Spring and Summer 2019, No. 55, pp. 115-147. (In Persian)
- Shiri, Hamid Reza. (2009). From Structuralist Semiotics to Discourse Semiotics, *Literary Criticism Journal*, Vol. 2, No. 8, pp. 32-51. (In Persian)
- Ghafari Hashjin, Zahed; Aghaei, Mohammad. (2018). The Arbaeen Pilgrimage as a Social Movement, *Political Science Journal*, Spring and Summer, No. 27, pp. 1-21. (In Persian)
- Sadeghi Fasaee, Soheila; Sharifi Saei, Mohammad Hossein. (2011). Representation of Marriage in Television Series: A Semiotic Analysis of Five Iranian Series, *Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural Studies and Communication*, Vol. 7, No. 22, Spring, pp. 67-90. (In Persian)
- Safavi, Kourosh. (2004). *Formation of Sign in the Collection of Articles from the First Symposium on the Sociology of Art*, Tehran: Academy of Arts. (In Persian)
- Zeymran, Mohammad. (2003). *An Introduction to the Semiotics of Art*, Tehran: Qesseh Publications. (In Persian)
- Fattouhi, Mahmoud. (2012). *Stylistics*, Tehran: Sokhan Publications. (In Persian)
- Fischer, Ernst. (2007). *The Necessity of Art in the Evolution of Society*, translated by Firouz Shirvanlou, Tehran: Toos. (In Persian)
- Kalath Arabi, Javad. (2016). *A Reflection in Najaf*, Tehran: 27 Ba'ath. (In Persian)
- Kothari, Masoud. (2007). *Collection of Articles from the First Symposium on the Sociology of Art*, Tehran: Academy of Arts. (In Persian)
- Girot, Pierre. (2001). *Semiotics*, translated by Mohammad Nabavi, Tehran: Agah. (In Persian)
- Marcuse, Herbert. (2006). *The Aesthetic Dimension*, translated and authored by Dariush Mehrjui, Tehran: Hermes. (In Persian)

- Majlesi, Mohammad Baqer. (1403 AH). Behar al-Anwar, Beirut: Dar al-Ahyaa al-Turath al-Arabi. (In Persian)
- Nazarzadeh, Rasool. (2005). The Mirror Cloak, Tehran: Roshangaran and Women's Studies. (In Persian)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی